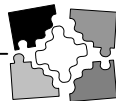


فرهنگ و شخصیت: شرح مختصری از یک تلاقی

در حال حاضر ارتباط بین فرهنگ و شخصیت و جهان شمولی خصوصیات شخصیتی از موضوعات مورد توجه می‌باشد. در چند سال اخیر مطالعات گوناگونی روی ارزیابی افراد از شخصیت خود صورت گرفته است، نشان می‌دهد از این نظر بین فرهنگ‌های مختلف هماهنگی قابل توجه وجود دارد. اگرچه این هماهنگی جالب توجه است، ولی به تنهایی متضمن آن نیست که ساختار شخصیت یک امریکایی یا اروپایی، تصویری جهانی از رفتارهای انسانی باشد. روان‌شناسی فرهنگی اذعان دارد که افراد در رفتارهایشان به طور معمول متفاوت‌اند و مردم می‌توانند به واسطه رفتارهای خاصشان از هم متمایز شوند. توجه به زمینه‌های فرهنگی نشان می‌دهد که مبنای بسیاری از تصورات راجع به شخصیت، منشأ و نقش آن در رفتار مشاهدات نیست، بلکه ریشه در فرضیات فلسفی غرب در رابطه با انسان دارند. مدل‌هایی که در زمینه فرهنگ وجود دارند می‌توانند از محصولات مختلف فرهنگ استخراج شوند. شخصیت منشأ رفتار است و با مجموعه‌ای از خصوصیات داخلی مشخص می‌شود. در جوامع امریکایی و اروپایی فرد دارای شخصیت خوب، اصیل و خوش برخورد کسی است که خصلت‌هایش با نظام یا گروه با مرزهای مستحکم، متحد و یکپارچه شود. این شخصیت در طول زمان تغییر نمی‌کند و در برابر نفوذ مقاومت می‌کند. در جامعه هندی این الگو شامل توصیف اجتماعی بیشتری از فرد می‌باشد. در الگوهای معمول آسیای شرقی، مردم از روی واسطه ارتباطات و طبیعت نقشی که در آن ارتباطات دارند قضاوت می‌شوند، نه بر اساس صفاتشان. برای مثال در چین کارمندان بر اساس نمره یا مصاحبه‌ای که خصلت‌های نهادین آنها را بیرون می‌کشد انتخاب نمی‌شوند، بلکه بر اساس ارتباط آنها با کارکنان استخدام شده، استخدام می‌شوند. حجم زیاد و رو به گسترش داده‌ها نشان می‌دهد که افراد جوامع آسیای جنوب شرقی خیلی بیشتر از افراد جوامع امریکایی - اروپایی رفتارشان را به وضعیت خارجی مستند می‌کنند. دیدگاه امریکایی دیدگاه خاصی است که به عنوان الگوی پایه‌ای و عمومی در بسیاری از موارد پذیرفته شده است. این دیدگاه شامل نقطه نظرات زیر است:

- (۱) رفتار اجتماعی ریشه در خصوصیات خصلت‌های زیربنایی هر شخص دارد.
- (۲) رفتار انسان می‌تواند و باید جدا از تجربیات اجتماعی خاص فرد و قواعد اجتماعی ادراک شود.
- (۳) رفتارهای متمایز مثبتی وجود دارند که قابل ارزیابی هستند.

الگوهایی که در بسیاری از تئوری‌های شخصیت ثبت شده است، انعکاس دهنده طبیعت بشر نیست، بلکه انعکاس دهنده عقاید و تجربیات جوامع امریکایی و اروپایی است. در یک مطالعه مقایسه‌ای اجتماعی شدن (socialization) در بین کودکان طبقه کارگر و در میان افراد طبقه متوسط بالای جامعه امریکا، محورهای اصلی و با اهمیت «شخصیت فرد» نشان داده شد که نتیجه این بود که در طبقات پایین کارگر، تأکید بر «فردگرایی انعطاف ناپذیر» (hard individualism) وجود دارد. این شامل تأکید بر خود مختاری در دفاع از خود، خشن بودن، روی پای خود ایستادن و در عین حال از خودراضی و خودخواه نبودن بود. این الگو از فردگرایی، با الگوی «فردگرایی منعطف» (soft individualism) مقایسه شد. در الگوی منعطف



هدف از بین بردن لایه‌های «خود» کودک بود که در نتیجه کودک می‌توانست خود را به محیط عرضه کند و استعدادهای بالقوه‌اش را بشناسد. الگوهایی که بر چگونگی انسان بودن دلالت دارد.

این فقط یک تصور است که در طبقه متوسط شخصیت از محیط اطراف قابل تفکیک است. امتزاج بین فرهنگ و شخصیت، حضور و نفوذ این الگوهای اختصاصی فرهنگی را روشن می‌سازد. شخصیت جریان فعال ساخت معانی است.

فرهنگ ماهیت نیست. فرهنگ چیزی مانند عضویت در یک گروه نیست. فرهنگ مانند شخصیت شامل وابستگی‌های ضعیف و الگوی مداومی از ساخت معانی که از تاریخ انتخاب و منتج می‌شود، می‌باشد.

Markis, H.R. (2004). Culture and personality. Brief for an arranged marriage. *Journal of Research in Personality*, 38, 75-83.

ترجمه و تلخیص: دکتر ماندانا صادقی

Archive of SID